

نامه‌های رسیده

اشاره: همه روزه پیام‌های فراوان از انبوهی از خوانندگان ماهنامه‌ی حافظ با تلفن و فاکس و نامه و پست الکترونیک به ما می‌رسد. شرمندیم که به دلیل کثرت نامه‌های رسیده، اعلام وصول نامه‌ها و پاسخ‌گویی به آن‌ها مقدورمان نیست. اما به شما اطمینان می‌دهیم که همه‌ی این نامه‌ها را می‌خوانیم و به نوبت قسمت‌هایی از نامه‌های خوانندگان فرهنگمند خود را که حاوی پیامی خواندنی باشد، در این بخش چاپ می‌کنیم.

حجت حیدری

✉ با سلام و تقدیم صمیمانه‌ترین درودها، تلاش آن استاد و همراهان گرامی‌شان در نشر مجله‌ی وزین و گرانمایه‌ی حافظ، آن هم در شرایط کنونی بس قابل تقدیر و سپاس است. اعتقاد دارم که **حافظ**، حافظ هویت ایرانی‌ست و کوشش برای ارتقای کیفی و کمی آن را وظیفه‌ی هر ایرانی آزاداندیش و وطن‌دوست می‌دانم. بر این اساس، لازم دانستم چند نکته را یادآور شوم. بی‌تردید همت بلند استاد برتر از آن است که بر چنین نکته‌هایی خرده بگیرند.

۱- پیشنهاد می‌کنم دامنه‌ی موضوعات مطرح شده در مجله را محدودتر کنید و به جای آن به مقالات منتشره عمق و ژرفای بیش‌تر دهید. به تصور من، بهتر است که مقالات پژوهشی جایگزین مطالب ژورنالیستی شوند. هر چند ممکن است مجله، برخی مخاطبان را از دست دهد، اما مصونیت آن بیش‌تر خواهد شد. با توجه به شرایط حساس و جوّ شکننده حاکم بر مطبوعات، اتخاذ چنین روشی به ماندگاری مجله می‌انجامد.

۲- به مصداق سخن شیرین مولانا:

خوش‌تر آن باشد که سر دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

تقاضا دارم، نوشته‌های مدح‌گونه را کم‌تر نشر دهید یا به تمامی حذف کنید. نشر چنین نوشته‌ها و اشعاری در مجله‌ی که باید حافظ راستین ایران و ایرانی باشد، نه تنها ضرورتی ندارد، بلکه ممکن است این شبهه را در برخی اذهان ایجاد نماید که خدای ناکرده مدیر مسوول محترم و فداکار مجله خواهان و دوستدار شنیدن سخنان

مدح‌گونه‌ی دیگران است! و حال آن‌که چنین نیست.

۳- آنان که با استاد دانشمند آشنایی دارند به خوبی بر شخصیت برجسته‌ی علمی استاد آگاهند. استاد ارجمند نه تنها از مفاخر علمی و فرهنگی این دیارند که امروزه کم‌تر کسی را می‌توان سراغ گرفت که چنین تسلطی بر حقوق، سیاست، ادب، تاریخ و... داشته باشد و با تلاشی خستگی‌ناپذیر، حاصل پُرازش یک عمر پژوهش و تحقیق را سخاوتمندانه در شکل کتاب‌ها و مقالات ارزشمند به دوستداران دانش و ادب تقدیم دارد. پس اجازه فرمایید که شما را هم چنان یک چهره‌ی ممتاز علمی بشناسیم که آوازه‌ی جهانی دارد و نه یک شاعر! بی‌تردید اگر استاد به جای پرداختن به درس دانشگاه و علم‌حقوق، تاریخ، سیاست و... به شعر و شاعری دل‌مشغول می‌داشت، از شعرای سرآمد ایران زمین می‌بودند.

محمد گودرزی (دبیر تاریخ) - بروجرد

حافظ: انتشار این اشعار و نامه‌ها برای آن است که به مقامات محترم «دادسرای کارکنان دولت و رسانه‌ها» که تاکنون چند بار سردبیر را به اتهام «اشاعه‌ی اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» مورد بازجویی و استنطاق قرار داده‌اند، عرض کنیم که خوانندگان فرهیخته‌ی ما مطالب این مجله را «اکاذیب» نمی‌دانند و ذهن‌شان هم از مطالعه‌ی مجله‌ی ما «مشوش» نشده است.

✉ با تقدیم سلام و ابراز خوشوقتی از استمرار انتشار ماهنامه‌ی حافظ با نگارش‌های دلنشین، نمی‌توانم دلگیری خود را از خواندن شماره‌ی گذشته (ویژه‌ی زنان) پنهان نمایم. در دنیایی که حقوق انسانی زن هنوز ناشناخته است و رعایت نمی‌شود - چنان‌چه به‌راستی بنا بر بزرگداشت و پاسداری از ارزش‌های زن باشد - تجلیل از این سازندگان انسان و بشریت و آگاهی جامعه بایست ظریف‌تر از این انجام می‌پذیرفت: اکنون شناخته شده که تمدن حاضر که پیشینه آن از ده هزار سال نیز کوتاه‌تر است، شاهد صادقی بر گذشته‌ی

دراز زندگی انسان‌ها بر روی کره‌ی خاک نیست. در داستان‌های تاریخی، همین دوره‌ی کوتاه - ارزش بانوان در نماد خدایان به چشم می‌خورد. زن نخستین آموزگار انسان‌ها بوده و به ایشان راه رفتن بر روی دو پا را آموخته است.^۱ در دانش پزشکی آشکار گشته است که نقش مادر در دادن زندگی، رشد، رسانیدن، رویان به زندگی خاکی بسیار مهم‌تر از پدر است: بدون وجود زن نه تنها رویان که جفت نیز پدیدآمدنی نیست، در ساختن خود رویان نیز مادر سهم بزرگ‌تری را به‌عهده دارد. از این‌ها گذشته همه‌ی انسان‌ها صفات و رفتار شایسته‌ی خویش را بیش از پدران مرهون مادران هستند. من شاید از این‌که نقش زن را در مادری پیش انداخته‌ام، کوتاهی مرتکب شده و همان راه شما را پیموده باشم؛ از این رو پوزش می‌طلبم و باز می‌گردم به هزاران سال استیلای زور و خشونت بر زنان از سوی مردان - بدون آن‌که دانش پزشکی تفاوت اساسی میان دو جنس نشان داده باشد، زنان بنا بر گزارش‌هایی نقش سازنده‌ی پیشین خویش را از کف داده‌اند، دوران مردسالاری که هم‌چنان ادامه دارد - بدون آن‌که در ارتباط مستقیم با نژاد، آیین یا حکومت خاصی باشد، سرچشمه در نادانی و خودپرستی مردان از یک‌سو - در اختیار داشتن قدرت توسط انسان و عدم تفاهم بین مرد و زن از سوی دیگر دارد. با این‌که به پیشرفت‌های بانوان در سده بیستم اشاره نموده‌اید هم اکنون در بسیاری از کشورهای پیشرفته نه تنها حقوق ایشان استیفا نشده که مورد تندخویی - بدکرداری و... از سوی مردان قرار می‌گیرند. بدون آن‌که بتوانم به مشکلات زنان در کشور خود بپردازم و برای دوری از درازی نوشته اعتقاد راسخ دارم که زنان بیدار در بیش‌تر کشورهای گیتی با گام‌های استوار دارند به پیش می‌روند و در طول سده کنون در بسیاری زمینه‌ها مردان را پشت سر خواهند نهاد.

اسفندیار بداعی (استاد دانشکده‌ی

پزشکی دانشگاه تهران) - تهران

۱- شناخت هویت زن ایرانی، در گستره‌ی پیش از تاریخ و تاریخ، شهلا لاهیجی، مهرانگیز کار، انتشارات روشنگران، تهران، ۱۳۷۱.

این جانب غلام حسین خیر خود را مغیون می بینم که ماهنامه‌ی پُرازش حافظ را بسیار دیر شناختم. (با شماره‌ی ۱۹ مورخ مهر ۸۴) که در زمینه‌ی شناخت حافظ و کار او، با قلم استادانی بزرگ، آگاهی‌های بسیار ارزشمند حاصل آوردم. روند کار نشان می‌دهد که می‌توان امیدوار بود که این روش (بررسی شخصیت‌ها و کارهای نوابغ تاریخ ملت ما) نه فقط در عرصه‌ی شعر بلکه در تمام زمینه‌های علوم، هم‌چنان دوام یابد و پیش‌کسوتی ملت ما را در برابر دانش نوپدید غرب آشکار سازد.

در همان شماره از اهل قلم و پژوهش برای نوشتن درباره‌ی فردوسی و شاهنامه دعوت شده بود. دو مقاله در این زمینه تقدیم می‌دارم تا اگر در خور خوانندگان فرزانه‌ی آن نشریه‌ی معتبر باشد ارائه شود. اما لازم است به استحضار برسانم که این هر دو نوشتار در زمان‌های گذشته یک‌بار به چاپ رسیده است. تشخیص لزوم چاپ مجدد آن به استادان اعضای هیات تحریریه‌ی آن نشریه‌ی معتبر محول است.

غلام حسین خیر - تهران

مجله‌ی حافظ به نسبت شماره‌های پیشین (۱ تا ۴) خیلی بهتر، جالب‌تر و مردمی‌تر شده است. مخصوصاً با چاپ نوشته‌هایی درباره‌ی دکتر خانلری، دکتر فاطمی، صادق هدایت و... غنای آن به حد کمال رسیده است که امید است این شیوه‌ی کار هم‌چنان ادامه داشته باشد. حقیر علاوه بر داشتن کتابخانه‌ی بزرگ که مورد توجه محققان و دانش‌پژوهان شهر و منطقه می‌باشد، مجموعه‌ی از سالنامه‌ها، فصلنامه‌ها، ماهنامه‌ها، مجلات و نشریات مختلف را نیز دارا می‌باشم که از هفتاد، هشتاد سال پیش جمع‌آوری و به‌صورت آرشیو نگهداری می‌شود که مراجعه‌کنندگان به کتابخانه اکثراً از نشریات، روزنامه‌ها و مجلات بیش‌تر از کتاب‌ها تعریف و تمجید می‌نمایند. اگر امکانتان اجازه می‌دهد دستور فرمایید از این پس مجله‌ی حافظ را رایگان و به‌طور مستمر برای حقیر ارسال فرمایند.

سید محمد جعفر رکنی - بندر بوشهر
میلاد باشکوه هشتمین اختر تابناک امامت و ولایت حضرت علی ابن موسی الرضا علیه و علی آباءه الطاهرین السلام را حضورتان به‌عرض تهنیت مصدع می‌باشم، در این ایام، مغفرت و شادی روح دوست پدرم (مرحوم فهمی رییس اسبق آگاهی کل و استاد پلیس جنایی) مرحوم مرور خلد آشیان سلاله السادات افتخار عالم تشییع استاد معظم سیدعلینقی امین رحمت الله علیه از مریدان و شیفتگان حضرت ثامن الحجج را از خالق دو جهان مسألت می‌نمایم. هزاران درود و صلوات و تحیات بر روح مقدس پیشوای اصفیا و مقتدای اولیا و خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی صلوات الله علیه و آله و سلم و ارواح پاکان دودمان او خصوصاً ائمه‌ی معصومین سلام الله علیهم اجمعین و برگزیدگان و یاران او. از ساخت مقدس ولی الله اعظم خاتم الاوصیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تایید و توفیق روزافزون آن استاد عزیز را آرزو مندیم. به‌حق محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل بینه صلوات الله علیهم اجمعین، ایام را با سلامتی کامل و سرور سپری نمایم، انشاء الله.

بیژن فهمی (وقایع نگار تاریخ معاصر ایران - روزنامه‌نگار) - تهران

این حقیر چند ماهی است که با مجله‌ی حافظ آشنا شده‌ام و آن را می‌خوانم. به‌قدر فهم و درک خود از مطالب زیبا و غنی آن حظ وافر می‌برم. دفاع حافظ از اندیشمندان و متفکران ایران به‌خصوص مرحوم دکتر محمد مصدق (رحمت‌الله علیه) و دیگر بزرگواران خدمتگزار به این مرز و بوم عملی بسیار شایسته است و در خور تحسین. نشر اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و تفکرات روشن و مترقی در زمینه‌های مختلف جامعه‌شناسی و اجتماعی بسیار برای مردم امروز خصوصاً نسل جوان جامعه لازم است. به شما تبریک می‌گویم که در نشر تفکر و اندیشه از طریق این ماهنامه حتا در دورافتاده‌ترین نقاط این کشور مانند استان چهارمحال و بختیاری موفق بوده‌اید. از

این رو به‌عنوان یک هموطن بختیاری از خداوند متعال برای شما آرزوی موفقیت روزافزون دارم.

سید محمد حسینی بختیاری - چهارمحال و بختیاری

فرهنگ‌پرور ارجمند خانم اکرم حیدری دو جلد از شمارگان مجله‌ی عزیز حافظ وصول شد. از مرحمت شما کمال امتنان را دارم. بنده از لحظه‌ی دیدن مجله‌ی خوش‌نام و آب و رنگ حافظ، یعنی از شماره‌ی ۲ در دکه‌ی مطبوعاتی شهر تاکنون هم‌چنان مشتری پر و پاقرص تشنه‌ی آن هستم. جهت اشتراک سالانه در فرصت مقتضی اقدام خواهم کرد. با تذکار این نکته که مشترکین شما در انجمن ادبی ساری یعنی دوستان من از این‌که مجله دیر به دستشان می‌رسد شاکی‌اند و بر من حسودی می‌کنند!

منوچهر اسکندری - قائم‌شهر

در فروردین ماه ۸۴ با ماهنامه آشنا شدم و از همان دیدار نخست از مطالعه‌ی مطالب ماهنامه لذت بردم و آن را مطابق میل و سلیقه‌ی فکری و فرهنگی خویش یافتم. البته در خلال سنوات گذشته مجلات و جرایدی بدین‌سبک و سیاق و شاید مشابه بوده‌اند اما در گیرودار تحمیلات ناروا از حیث انتفاع خارج و به تیغ توقیف دچار گردیده‌اند.

از ذکر مطالب تاریخی که غالباً بدون سانسور و حب و بغض می‌نگارید، نهایت سپاسگزاری را عارضم که اصل امانت در ذکر مطالب مصداق بارزی از صداقت و پاکی وجدان است.

درخواست دیگری هم راجع به درج مطالبی در خصوص نظام تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش از منظر علمی و چالش‌های پیش‌روی نظام آموزشی و جایگاه هر یک از مقاطع در نظام‌های آموزشی دنیا و مقایسه‌ی آن با نظام آموزش و پرورش ایران و سیر تحولات آن در شماره‌های مجله مورد استدعاست.

عبدالصمد صفریان